

"بیست‌گرایی" پدیده‌ای است که دانش‌آموز را دچار اضطراب، عدم امنیت خاطر، عدم اعتماد به نفس، عدم تمرکز، گوشه‌گیری، افسردگی، بی‌قراری، عصبانیت و پرخاشگری می‌کند و او را در سرایشی عدم موفقیت و شکست قرار می‌دهد. مشکلات ناشی از "بیست‌گرایی" کودک را از اهداف اصلی تعلیم و تربیت دور می‌سازد و به پیامدهای نامطلوب در روند آموزشی دانش‌آموزان می‌انجامد.



پایه اولی‌ها را دریابیم

احمد مبارکی

بی‌شک عشق و علاقه پدر و مادر نسبت به فرزندان، امری طبیعی است که از بدو تولد آنها آغاز می‌شود و تا پایان زندگی ادامه می‌یابد. همه پدران و مادران خواهان خوشبختی فرزندان خود در تمامی زمینه‌های زندگی هستند، بنابراین از هیچ اقدام خیرخواهانه‌ای در مورد آنان کوتاهی نمی‌کنند.

یکی از آرزوهای شیرین پدر و مادر، بزرگ شدن فرزندان و رهسپار شدن آنها به مدرسه

شوق زایدالوصفی کار خود را در دبستان آغاز کرده است، با گفته‌های مکرر پدر و مادر خود مواجه می‌شود که: "فرزند عزیزم، بین ما می‌دانیم که تو خیلی باهوشی و در این هیچ شکی نداریم، بنابراین از تو می‌خواهیم به ما قول بدهی که همیشه تمامی نمرات بیست باشد." و با تکرار روزمره این گفته‌ها، مسأله "بیست" در ذهن کودک نقش می‌بندد و او خود را ناگزیر از تحقق آن در جهت ارضای پدر و مادر خود می‌بیند و از اینجاست که مشکلات روحی و روانی ناشی از این موضوع در کودک بروز می‌کند و او را از اهداف اصلی تعلیم و تربیت دور می‌سازد.

چنانکه می‌دانیم و اکثر قریب به اتفاق روان‌شناسان و متخصصان تعلیم و تربیت نیز آن را مورد توجه و تأکید قرار داده‌اند، دانش‌آموز موقعی می‌تواند در امور درسی خود موفق باشد و مطالب تدریس شده در کلاس را به خوبی فراگیرد که از نظر تأمین نیازهای زیستی مشکلی نداشته و از هرگونه فشارها و کششهای عاطفی و تعارضات روانی و خصوصاً اضطراب بدور باشد و در واقع دانش‌آموز از امنیت روحی و روانی کامل برخوردار شود. تأکید والدین بر کودک مبنی بر گرفتن نمره "بیست"، دانش‌آموز معصوم پایه اولی را که در شرایط بسیار حساس و سرنوشت‌سازی قرار دارد، دچار اضطراب و عدم امنیت خاطر و سرانجام از دست دادن اعتماد به نفس می‌کند و این مسأله هم بر چگونگی رشد شخصیت او تأثیر می‌گذارد و هم موجب بوجود آمدن بسیاری از رفتارهای نامطلوب و ناخوشایند همانند: گوشه‌گیری، افسردگی، بی‌قراری، عصبانیت و پرخاشگری و رفتارهایی از این قبیل می‌گردد، و نیز در عدم

است تا با تعلیم و تربیت، سنگ بنای سعادت آنها گذاشته شود. در واقع ورود کودک به دبستان نقطه عطفی در زندگی او به شمار می‌رود و بدون شک نحوه برخورد والدین با این امر مهم تأثیر بسزایی در زندگی فرزندشان به جای می‌گذارد. سرانجام لحظه موعود فرا می‌رسد و کودک دلبنده خانواده با اشکهای شور و شوق پدر و مادر عازم دبستان می‌شود و از اینجاست که او زندگی و تجارب جدیدی را آغاز می‌کند و دانستیهای مقدماتی برای ورود به زندگی اجتماعی را یاد می‌گیرد. کودک که تازه می‌خواهد با محیط جدید انس بگیرد و خود را با شرایط آن وفق دهد، با معضلی روبرو می‌شود که آغازگر آن خود پدر و مادر هستند. آنها بدون در نظر گرفتن این نکته مهم که پایه اول ابتدایی از اهمیت و حساسیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است و اساس و شالوده شخصیت فکری و اجتماعی کودک در این پایه نهاده می‌شود و به طور کلی مراحل کار تعلیم و تربیت در این پایه، با ظرافت و آگاهی خاصی همراه است، ناخواسته در یکی از ابعاد تخصصی تعلیم و تربیت مداخله می‌کنند و کودک خود را به "بیست‌گرایی" سوق می‌دهند تا به خیال خود باعث پیشرفت او در امور تحصیلی و سعادت او در آینده گردند. پدیده "بیست‌گرایی" که توسط پدر و مادر ایجاد می‌شود و متأسفانه به وسیله برخی از معلمان نیز به آن دامن زده می‌شود، مسأله‌ای مهم و قابل تعمق در تعلیم و تربیت است که اگر به موقع در مورد رفع آن اقدامات عاجل صورت نگیرد، عواقبی نامطلوب در روند آموزشی و آینده دانش‌آموزان خواهد داشت.

دانش‌آموز معصوم پایه اول که با شور و



اظهار می‌داشتند: " ما می‌ترسیم که در درسهایمان بیست نگیریم، چون آن وقت است که مورد نکوهش و سرزنش پدر و مادر خود قرار می‌گیریم."

بنابراین با توجه به اهمیت موضوع، مسائل و نکات مهم و در خور توجهی را که به کارگیری آنها در تعلیم و تربیت دانش آموزان پایه اول ابتدایی نقش به‌سزایی ایفا می‌نماید، متذکر می‌شویم. باشد که یادآوری این نکات موجب آگاهی بیش از پیش والدین عزیز، معلمان دلسوز و تمامی دست‌اندرکاران تربیت در جهت تحقق اهداف آموزش و پرورش باشد:

- سعی کنیم طرز تفکرهای امیدوار کننده، مثبت و خوشایندی را نسبت به مدرسه در ذهن بچه‌ها القاء نماییم.
- انتظارات خود از کودکان را با تواناییهای آنها هماهنگ سازیم.

شکوفایی استعداد های نهان وی تأثیر می‌گذارد. دانش‌آموزی که مدام از طرف والدین تحت فشار قرار می‌گیرد که حتماً باید در دروس نمره "بیست" بگیرد، تمرکز حواس خود را نیز از دست می‌دهد و آن وقت است که در سرایشی عدم موفقیت و شکست قرار می‌گیرد و کم‌کم علاقه خود را نسبت به یادگیری، کلاس و مدرسه از دست می‌دهد. بنده با داشتن سابقه طولانی تدریس در پایه اول ابتدایی به وضوح این مسائل را از نزدیک مشاهده کرده‌ام. دانش‌آموزانی که با شور و شوق سال تحصیلی را آغاز نموده، پیشرفت قابل ملاحظه‌ای نیز در امور درسی داشتند، بعد از مدتی تغییرات محسوسی در رفتار آنها مشاهده می‌شد که واقعاً جای بسی شگفتی و تأمل داشت. مثلاً آنها موقع نوشتن املاء و یا امتحان ریاضی شروع به گریه کردن می‌کردند و وقتی علت را از آنها جویا می‌شدم، با همان حالت معصومانه

آنها مدّ نظر ما باشد، نه صفات شخصی و شخصیت آنان، زیرا اگر تمجید و قدردانی متوجه صفات شخصیتی کودکان شود، منجر به ایجاد اضطراب می شود و حالت‌های دفاعی را در کودکان به وجود می آورد.

- به هیچ عنوان و در هیچ شرایطی به کودکان برجسب‌های ناروا نزنیم که این عامل باعث ناتوانی روحی و روانی کودکان در بسیاری از زمینه‌ها می‌گردد.

- توجه داشته باشیم که تدریس صرفاً وسیله‌ای برای انتقال دانش از ذهن معلم یا محتوای کتاب به ذهن دانش‌آموزان نیست، بلکه منظور از تدریس آماده نمودن شرایط مناسبی است که کودکان بتوانند در آن به یادگیری بپردازند و روش درست آموختن را فرا گیرند.

- تلاش کنیم که محیط آموزشی دانش‌آموزان پایه اول را به محیطی شاد و مورد پسند دانش‌آموزان تبدیل نماییم تا کودکانی که تازه از محیط خانواده جدا شده و پا به یک محیط جمعی نهاده‌اند، دستخوش فشارهای روانی و اضطراب‌های حاصل از این جدایی نگردند.

- از آنجا که تقلید و همانندسازی یکی از مهم‌ترین روش‌های یادگیری در کودکان است، بنابراین سعی نماییم که با رفتارهای سنجیده و مناسب خود الگوهای محبوب و شایسته‌ای از جمیع جهات برای کودکان باشیم.

- سعی کنیم با بهره‌گیری از روش‌های جدید تغییر رفتار در کودکان پایه اول ابتدایی، نابهنجاری‌های موجود در رفتار آنان را از بین ببریم و رفتارهای سالم و خالص و مفید را در آنان ایجاد نماییم.

- توجه داشته باشیم که میل به پیشرفت درسی در اکثر کودکان وجود دارد و بهترین و منطقی‌ترین روش ارضای این تمایل آن است که هدف‌های مورد نظر کودک خارج از دسترس او نباشد و اگر انتظارات و توقعات ما از کودک به اندازه‌ای باشد که او از عهده برآورده ساختن آنها بر نیاید، منجر به ایجاد مقاومت منفی در کودک خواهد شد.

- اصل تفاوت‌های فردی را بپذیریم و انتظار نداشته باشیم که همه کودکان حتماً به یک میزان در امور درسی پیشرفت کنند.

- کودکان خود را وسیلهٔ تفاخر و رقابت با دیگران قرار ندهیم.

- با شناسایی استعداد کودکان، حتی اگر استعداد آنان در حد بسیار بالایی نیز نباشد، احساس ارزشمندی و اطمینان خاطر را در آنها بارور سازیم.

- فعالیت‌های مورد انتظار از کودکان را به گونه‌ای برنامه‌ریزی کنیم که آنها بتوانند هر کدام به فراخور استعدادهای خود موفقیت‌هایی را کسب نمایند.

- سعی کنیم با پیام‌های غیرانتقادی که در آن به نیاز پذیرفته شدن توجه کافی مبذول می‌شود، کودکان را به همکاری بهتر و مستمر تشویق نماییم.

- اگر در مواقعی ناچار شدیم که کودکان را مورد انتقاد قرار دهیم، انتقاد سازنده را مد نظر داشته باشیم، چون در چنین انتقادی اظهار نظرهای منفی دربارهٔ شخصیت کودک حذف می‌شود.

- اگر می‌خواهیم کودکان را مورد تمجید قرار دهیم، باید قدردانی و تمجید خود را طوری ارائه نماییم که تلاش و کارهای توأم با موفقیت

- ختم کلام اینکه: پایهٔ اول ابتدایی به لحاظ حساس و سرنوشت‌ساز بودن، تخصص، دقت‌نظر، آگاهی و مشارکت خاصی از جانب والدین و معلمان دلسوز این پایه را می‌طلبد. بیایم همه باهم، عشق و صفا و صمیمیت، مهر و وفا و مهربانی را در دل دانش‌آموزان معصوم پایهٔ اولی بارور سازیم. بیایم همه سعی و تلاش خود را در جهت شکوفایی استعدادها و نهای این نوباوگان و آینده‌سازان اسلامی، بکار گیریم. بیایم با اقدامات سنجیده و تعلیم و تربیت صحیح و علمی و اسلامی این نوگلان باغ زیبای تربیت را بیش از پیش معطر سازیم. و سرانجام بیایم با چهره‌ای بشاش و صمیمی ورود کودکان دلبندمان را به دنیای پر از خاطرهٔ کلاس اول تبریک و خوش آمد بگوییم.



● منابع:

- ۱- افروز، دکتر غلامعلی، مباحثی در روان‌شناسی و تربیت کودکان و نوجوانان، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۲، تهران.
- ۲- شاملو، دکتر سعید، بهداشت روانی، انتشارات رشد، ۱۳۷۲، تهران.
- ۳- نوابی‌نژاد، دکتر شکوه، رفتارهای بهنجار و نابهنجار در کودکان و نوجوانان.
- ۴- نیسون، لسلی، جی، نقش اولیاء در پیروزی تحصیلی فرزندان، ترجمه: نعمت کدیور، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۲، تهران.

- برای پیشرفت کودکان در امور درسی، حس اعتماد به نفس آنها را تقویت کنیم و به قدرت تحمل آنان در رویارویی با ناکامیهای احتمالی بیفزاییم.

- با محبتها و نوازشهای افراطی نسبت به کودکان، خودباوری و خوداتکایی آنان را به مخاطره نیندازیم.

- به هیچ عنوان هدیه‌ای را در اختیار مدرسه قرار ندهیم تا معلم به عنوان جایزه به کودک اهدا کند، چون این کار عواقب نامطلوبی در روند آموزشی و تربیتی کودکان ایجاد می‌کند.

- اولیای کودکان به جای دخالت مستقیم در امر تحصیلی کودکان، سعی کنند فعالیت‌های مکمل آموزشی کودکان خود را با تماس‌های مستمر و ارتباطی سازنده با معلمان کودک هماهنگ سازند.

- توجه داشته باشیم که آموزشهای اخلاقی و دینی کودکان را مطابق با ویژگیهای روحی و روانی آنان برنامه‌ریزی نماییم.

- با کودکان به زبان خود آنان سخن بگوییم و

زبان کودکی را بیش از پیش ارج نهمیم.

- به تعبیر "ایتارد" بنیانگذار روان‌شناسی بالینی، ذهن کودکان صفحهٔ سفیدی را می‌ماند که آمادهٔ نگاشتن تجارب محیطی است که در آن زندگی می‌کنند، بنابراین سعی نکنیم تا با اعمال و روشهای نسنجیده و غیر علمی، این صفحهٔ سفید ذهن کودکان را به سیاه‌ای بی‌اعتبار و مخدوش مبدل سازیم.

- و سرانجام به جای زیر فشار قرار دادن کودکان برای گرفتن نمرهٔ "بیست"، آنها را مورد حمایت و پشتیبانی عاطفی خود قرار دهیم و عشق به آموختن و یادگیری را در آنها افزایش دهیم.